

بازخوانی مقاله «انفجار اطلاعات» شهید آوینی بعد از ۳۰ سال

نکته‌گویی‌های بهنگام



آوینی متأثر از

نظریه‌پردازان

انحطاط

همچون

اسوالد

اشپنگلر

معتقد است

که «دهکده

جهانی» و

شتاب تحولات

تکنولوژی،

در نهایت به

تهی شدن

غرب از معنا

و انحطاط

آن منتهی

می‌شود. به

همین دلیل

تأکید می‌کند

که از تحولات

دنیای مدرن

استقبال

کنید و

«خانه‌های پتان

را بر دامنه

آتشفشان بنا

کنید»

تحلیل

دکتر حسین کوچیان

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

مقاله «انفجار اطلاعات» شهید مرتضی آوینی که پیرامون موضوع «ماهواره» و بحث تکنولوژی‌های نوپدید در تمدن غرب نگاشته شده است در حوزه فلسفه تاریخ قرار می‌گیرد. بنابراین نباید از این مقاله توقع یک نظریه منسجم، یا از آوینی، نظریه‌پردازی در این زمینه را توقع داشت. از این رو، آرای شهید آوینی در این مقاله تنها «نکته‌گویی‌هایی بهنگام» و قابل تأمل برای نظریه‌پردازی و نظریه‌پردازان است.

آوینی: اهل نظریا اهل هنر؟!

در گذشته این تصور وجود داشت که تحول‌های بزرگ تاریخی ابتدا در ساحت «فکر» و «نظر» ظاهر می‌شوند. بنابراین می‌پنداشتند که اهل نظر و نخبگان نخستین گروهی هستند که این تحولات را درک و فهم می‌کنند. یا به تعبیر دیگر، نخست «فکر» است که جریان تحول را ایجاد می‌کند و در ادامه به دیگر سطوح زندگی، از جمله «هنر، تشریح می‌یابد. اما امروز این دیدگاه، نزد بسیاری از تحلیلگران اجتماعی پذیرفته نیست.

مطابق فیهی که امروز وجود دارد تحول و دگرگونی‌های تاریخی ابتدا در سطح عمل روزمره و در نزد عام مردم ظاهر می‌شود و چون شکل منسجمی ندارد، اغلب هم فهم نمی‌شود. اما وقتی این چرخش‌های

تاریخی و تحولات عملی، به سطح «عاطفه» و «احساس» جامعه می‌رسند، تازه فهم‌پذیری می‌شوند. به این اعتبار، می‌توان گفت هنرمندان و اهالی هنر نخستین طبقاتی هستند که چرخش‌های تاریخی و تحولات عمیق جامعه را درک و فهم می‌کنند. تاریخ غرب شاهدهی بر این مدعا است.

البته نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که اهل هنر به‌طور معمول «شهود» می‌کنند؛ به این معنا که تحلیل‌شان برآمده از یک «تجربه زیسته» در زندگی روزمره است. به همین دلیل، نباید از آنان انسجام، پیوستگی مفهومی و نظریه کامل را انتظار داشت. دقیقاً شهید آوینی هم در این دسته قرار می‌گیرد.

هر اهل هنری نمی‌تواند «تجربه شهودی» داشته باشد و باید با جهانی که در آن تحول رخ می‌دهد، نسبتی داشته و از جنس قلمرویی باشد که در حال چرخش و تحول است. در کار شهید آوینی چنین نسبتی برقرار است. به همین دلیل، در مقطعی که می‌زیست کمتر کسی دغدغه‌ها و افکارش را درک می‌کرد و اغلب صحبت‌هایش غریب به نظر می‌آمد.

آوینی یافته‌های خود را به «زبان هنر» توضیح می‌دهد اما به اعتبار اینکه مطالعات زیادی داشت کارش «جنبه نظری» هم پیدا کرده بود. بنابراین در مکتوباتش، ما «فهم نظری» او از پدیده‌ها را هم شاهد هستیم.

چرا آوینی از «تحقق دهکده جهانی» ابراز خشنودی کرد!

شهید آوینی در مقاله «انفجار

باید خانه را در دامنه آتشفشان بنا کرد

چگونه با «انقلاب دیجیتالی» و «حکمرانی پلتفرمی» مواجه شویم؟

تأمل

دکتر آرش وکیلیان

دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی و مدیرکل فرهنگی و اجتماعی مرکز ملی فضای مجازی

آن زمان که شهید آوینی مقاله «انفجار اطلاعات» را می‌نوشت، آرا و نظراتش ناپهنگام به نظر می‌رسید اما امروز ایده او امری به غایت بهنگام است تا آنجا که اگر هر جای این مقاله که به نوعی در بردارنده دغدغه‌های وی در خصوص «ماهواره» است، به جای «ماهواره» کلمه «سکو» (پلتفرم/ین‌ساز) را بگذاریم، دقیقاً با اکنون و امروز ما تطابق پیدا می‌کند. پرسشی که ناظر بر مقاله «انفجار اطلاعات» آوینی می‌توان طرح کرد این است که چگونه باید با «جامه اطلاعاتی»، «انقلاب دیجیتالی» و «حکمرانی پلتفرمی» مواجه شد؟ او در مقاله «انفجار اطلاعات» مانیفست‌وار نکاتی را در خصوص این مواجهه طرح کرده است اما برای اینکه درک دقیق‌تری از نگاه او داشته باشیم باید به منظومه فکری او بنگریم از جمله مقاله «ولایت تکنیک»، کتاب «شرق بهشت»، مقاله «ویدیو» در کتاب «رستاخیز جان» و...

آوینی، در مقاله «انفجار اطلاعات» که موضوع این نوشتار است، مواضع خود را در برابر رسانه‌های جدید به شکلی فشرده بیان کرده که در این یادداشت به ۱۰ فراز از این مقاله و تفسیر آن اشاره خواهیم کرد:



با حکمرانی

پلتفرمی به

سمت فضایی

رفته‌ایم که

تکنولوژی و

اراده‌ای که در

پس آن قرار

دارد بیش از

همه تاریخ،

ظهور کرده و

انسان را بیش

از پیش مسخر

خود کرده

است.

شاهد این

مدعا در زمانه

ما، جلسه‌ای

است که

چندی پیش

برای محاکمه

تیک‌تاک در

کنگره آمریکا

برگزار شد

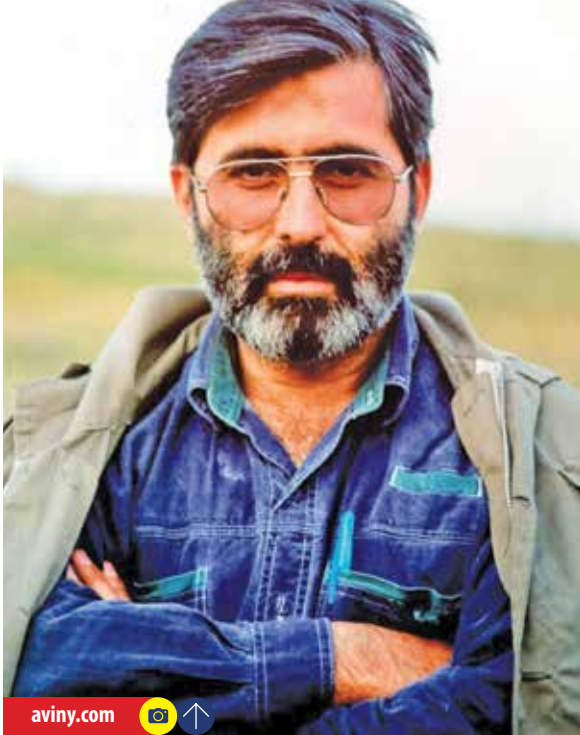
آوینی در فرازهایی از مقاله «انفجار اطلاعات» چنین می‌نویسد: «گریختن مطلوب طبع کناسی است که فقط به عاقبت می‌اندیشند.»

سیاستی که در مواجهه با رسانه‌های جدید، مد نظر شهید آوینی است، یک «سیاست تهاجمی» است و چند و چون این مواجهه را در مقاله «تکرار مکررات» به شکل مبسوط‌تری به تحلیل می‌نشیند و معتقد است که امکان گریز از محصولات فناوری غربی وجود ندارد و از این امکان‌ناپذیری هم به خوبی یاد می‌کند؛ چراکه معتقد است این ناگزیری باعث می‌شود تا ما «مواجهه مجاهدانه‌ای» را با تمدن غرب کلید بزنیم.

«من به ولایت مطلق تکنیک معتقد نیستم. ولایت تکنیک یک حقیقت است؛ اما مقید نه مطلق»

شهید آوینی تمدن غرب را یک «تمدن تکنولوژیک» می‌داند اما معتقد است که قدرت سیطره تکنولوژی تام و مطلق نیست. می‌توان با درک ماهیت آن و اتخاذ «موضعی تهاجمی» از سیطره آن فراتر رفت و آن را حتی به‌استخدام درآورد. او توضیح می‌دهد که با ولایت‌الله و تقوا، انسان مختار می‌تواند از هر ولایت دیگری اجتناب کند.

«دهکده جهانی واقعیت پیدا خواهد کرد، چه بخواهیم و چه نخواهیم و این حقیقت حتی برای سردمداران غرب اضطراب‌آور است.»



↑

aviny.com

که قبلاً در اینستاگرام کار می‌کرد، توضیح داد که حضور اینستاگرام انشقاق اجتماعی تولید می‌کند و از این طریق، دموکراسی را به چالش می‌کشد.

«دهکده جهانی برای آن که سر پا بماند به شهروندان مطبوعی نیاز دارد که سرشان در آخور خودشان باشد.»

شهر و ندان مطبوع رسانه‌های اجتماعی، تابع منطق پلتفرم‌ها و تبلیغ چهره‌ها هستند و رسانه‌های اجتماعی بر اساس «منطق استفاده و رضایتمندی» آنچه را که بر اساس هوش تجاری از تحلیل رفتار کاربر دریافت کرده‌اند، به آنان تحویل می‌دهند. در نتیجه افراد همان اطلاعاتی را دریافت می‌کنند که دوست دارند؛ و با این کار عملاً شهروند مطبوع خود را تولید می‌کنند.

«این همان دهکده‌ای است که بر سر سناکنانش آتن‌هایی رویداده که یکصد و پنجاه کانال ماهواره‌ها را مستقیماً دریافت می‌کنند.»

امروز ما با ماتریکس رسانه‌های اجتماعی مواجه هستیم، بدین معنا که اگر چیزی در این ماتریکس رسانه‌ای بازنمایی شود، وجود دارد و اگر بازنمایی نشود، گویا وجود ندارد. مثلاً حوادث و اغتشاشاتی که در ایران رخ داد به شدت هر چه تمام‌تر در این ماتریکس بازنمایی شد اما در مقابل در خصوص حوادث یمن سکوت شد و توگویی اساساً

همانطور که به درستی شهید آوینی سی سال پیش دریافت‌ه بود، نظم نوینی که به واسطه این تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی شکل گرفته، گاه خود سردمداران غربی را دچار اضطراب می‌کند.

واقعیت این است که عملاً با حکمرانی پلتفرمی به سمت فضایی رفته‌ایم که تکنولوژی و اراده‌ای که در پس آن قرار دارد بیش از همه تاریخ، ظهور کرده و انسان را بیش از پیش مسخر خود کرده است.

شاهد این مدعا در زمانه ما، جلسه‌ای است که چندی پیش برای محاکمه تیک‌تاک در کنگره آمریکا برگزار شد و البته این امر مسیوق به سابقه است و پیش‌تر در مورد اینستاگرام نیز چنین دغدغه‌ای طرح شد و خانم فرانسسیس هاوکن



اطرافیان‌شان در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرند و جهان دیگری را نمایش می‌دهند. هر چند که اینها در بدو امر، نمود کمی‌تری دارند اما به تدریج حضورشان برجسته‌تر می‌شود و به جنگ بنیادهای مادی می‌روند.

بنابراین، آوینی متأثر از نظریه‌پردازان انحطاط (به‌طور مشخص اسوالد اشپنگلر) معتقد است که تمدن‌ها از اعتماد به یک فرهنگ و ایده ساخته می‌شوند. اما این فرهنگ از منظر مادی چیزی ندارد تنها یک توازن بین آن و قدرت مستقر برقرار است. اما به همین مرحله متوقف نمی‌ماند و در ادامه ساختار سازی و نهادسازی می‌کند اما در نهایت

پاشنه آشیل تمدن غرب



برش

آوینی معتقد است همان‌طور که فرهنگ غرب می‌کوشد به فرهنگ ما ورود کرده و رنگ خود را به فرهنگ ما بزند، ما نیز باید به یک چنین مقابله‌ای با آنان بپردازیم. بدین معنا که از رهگذر پاشنه آشیل تمدن غرب یعنی «ضعف معنویت و فرهنگ» به آن ضربه بزنیم. بویژه اینکه برخلاف آنان، نقطه قوت ما اتفاقاً در «غای معنوی و فرهنگی» است و در این زمینه حرف جدی برای گفتن داریم.

«فرهنگ» از دست می‌رود و آنچه باقی می‌ماند «بنیادهای مادی» بیش نیستت که دیگر در آن، جان و حیاتی نمانده است و صرفاً ساختارهای بوروکراتیک و نهادهای قانونمند است که جریان زندگی روزمره را به شکل تکراری جلو می‌برد و در آن، اخلاق و ایثار رنگ می‌بازد. این نقطه «نقطه انحطاط» است که طی آن انسان از محتوای انسانی‌اش تهی می‌شود. آوینی معتقد است که تهی شدن تمدن غرب از معنویت و بوروکراتیک شدن آن، مبین رسیدن به این سطح مادی است که در آن دیگر، عملاً چیزی خلق نمی‌شود و اینجا است که

پاشنه‌آشیل تمدن غرب از دیدگاه آوینی

آنچه شهید آوینی سی سال پیش طرح کرده است برای امروز جامعه ما نکته قابل تأملی است. از نظر او، «دهکده جهانی» در نهایت به تهی شدن غرب از معنا و انحطاط آن منتهی می‌شود و احتمالاً به همین دلیل است که شهید آوینی از تحولات و چرخش‌های روزگار خود خشنود است؛ چراکه معتقد است این سرعت و شتاب تحولات در نهایت به انحطاط غرب خواهد انجامید. هر چند که امروز این فهم (یعنی



تهی بودن غرب) به سطوح عامه جامعه هم منتقل شده است اما چنین نکته‌ای، فهم دوری را طلب می‌کند و از درک عمیق و شناخت درست او از مسائل زمانه‌اش گواهی می‌دهد. به همین دلیل او تأکید می‌کند که «خانه‌های پتان را بر دامنه آتشفشان‌ها بنا کنید»، «از ماهواره نترسید» به پیشوازش رفته و به دل این رخداد بزنید.

آوینی معتقد است همان‌طور که فرهنگ غرب می‌کوشد به فرهنگ ما ورود کرده و رنگ خود را به فرهنگ ما بزند، ما نیز باید به یک چنین مقابله‌ای با آنان بپردازیم. بدین معنا که از رهگذر پاشنه آشیل تمدن غرب یعنی «ضعف معنویت و فرهنگ» به آن ضربه بزنیم. بویژه اینکه برخلاف آنان، نقطه قوت ما اتفاقاً در غنای معنوی و فرهنگی است و در این زمینه حرف جدی برای گفتن داریم.

که دهکده جهانی آن را با فناوری ارتباطات و اطلاعات تسخیر نکرده باشد. شهید آوینی در خود همین ماجرا، یک بحران می‌بیند. شاید به نوعی همان اتفاقی که در دوره امپریالیسم رقم خورد، مجدداً در حال کلید خوردن است؛ آن زمان، وقتی استعمار سنتی همه جغرافیای سرزمین‌ها را تصرف کرد و سرزمینی باقی نماند که به استعمار درآوردند، جنگیدن با هم را کلید زدند و جنگ جهانی اول و دوم رقم خورد. شاید به نوعی واری بسط این استعمار نوین، یک چنین احتمالی از سنتیز شدید وجود داشته باشد و نظیر این را شهید آوینی درک کرده بود و به همین دلیل احتمال داده بود که این تمدن از درون خودش سقوط خواهد کرد.

«منصر غیرعقلی محض (قدرتی صرفاً در پی خواست خویشستن) است که بر صحنه جهان تسلط خواهد یافت، زیر دیگر هیچ نظامی از ارزش‌های مقبول همگان وجود ندارد که بتواند مانع پیشروی آن شود.»

همان‌طور که شهید آوینی عنوان می‌کند یا گسترش رسانه‌های نوین عملاً امکان شکل‌گیری یک «نظام فراگیر ارزش‌ها» و یک «کلان روایت عمومی» وجود ندارد و در این فضا، رسانه‌های اجتماعی برخلاف رسانه‌های جمعی جوامع را تکه تکه می‌کنند و ارزش‌ها به شدت محلی و گروهی می‌شود. اما در گذشته رسانه‌های جمعی اجازه می‌دادند تا یک کلان روایتی شکل گیرد.

«چه آنان که از حاکمیت ماهواره‌ها به وحشت افتاده‌اند و چه آنان که مستافانه چنین روزی را انتظار می‌برند، هر دو ماهواره‌ها را با حاکمیت جهانی غرب یکسان گرفته‌اند؛ و هر دو اشتباه می‌کنند.»

امروز ما جیرا از ماهواره فراتر رفته است و جایی در جهان نیست که حاکمیت ماهواره‌ها به وحشت افتاده‌اند و چه آنان که مستافانه چنین روزی را انتظار می‌برند، هر دو ماهواره‌ها را با حاکمیت جهانی غرب یکسان گرفته‌اند؛ و هر دو اشتباه می‌کنند.»

«وقتی حصارهای اطلاعاتی فرو بریزد مردم جهان خواهند دید که این دژ ظاهر مستحکم بنیان‌هایی بسیار پوسیده دارد که به تلنگری فرو خواهد ریخت. قدرت غرب، قدرتی بنیان‌گرفته بر جهل است و آگاهی‌های جمعی که انقلاب‌ها هستند به یکباره روی می‌آورند؛ همچون انفجار نور.»

قدرت امکان انقلاب در جهان

* مکتوب‌های حاضر، متن ویرایشی و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی‌های دکتر کوچیان و دکتر وکیلیان است که در جلسه هم‌اندیشی «در دامنه آتشفشان» در محل پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی ارائه شد.



پاشنه آشیل تمدن غرب



برش

سیاستی که در مواجهه با رسانه‌های جدید، مد نظر شهید آوینی است یک «سیاست تهاجمی» است. او معتقد است که امکان گریز از محصولات فناوری غربی وجود ندارد و از این امکان‌ناپذیری هم به خوبی یاد می‌کند؛ چراکه معتقد است این ناگزیری باعث می‌شود تا ما «مواجهه مجاهدانه‌ای» را با تمدن غرب کلید بزنیم.